

## تحلیل تطبیقی «میزان هزینه دادرسی» در حقوق ایران، انگلستان و فقه اسلامی

سجاد کوهی • دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)  
sa.koohi@isu.ac.ir

سیدمحمد حسینی • دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.  
hoseini.sm@ut.ac.ir

### چکیده

در خصوص اخذ «هزینه دادرسی» معمولاً دو مسأله اساسی در نظام‌های حقوقی مطرح است؛ اول، جواز یا عدم جواز اخذ هزینه توسط حکومت که علی‌الاصول متعهد به برقراری عدالت است و دوم، فرایند و میزان هزینه‌های مأخوذه توسط دستگاه‌های قضایی. این نوشتار، با روش توصیفی تحلیلی و با هدف جبران شکاف تحقیقاتی در زمینه مبانی و اصول «میزان هزینه دادرسی»، هزینه‌های دادرسی را در نظام حقوقی ایران و انگلستان صورت‌بندی، توصیف و مقایسه کرده است و در دیگر سو، مروری بر مبانی فقهی هزینه دادرسی و میزان آن داشته است. اصولی نظیر «تلازم خسارت و فائده»، «تعديل ثروت در نظام اقتصادی اسلام»، «جبران خسارت بیشتر»، «جلوگیری از اقامه دعاوی واهی» و نهایتاً «بازیابی هزینه‌ها» در این مقاله مطرح‌نظر نگارندگان بوده است. در نهایت، با هدف آسیب‌شناسی میزان هزینه‌های دادرسی در نظام حقوقی ایران، با نگاهی به فقه اسلامی و نظام حقوقی انگلستان، راهکارهایی پیشنهاد شده است؛ این راهکارها مشتمل‌اند بر «ایجاد سامانه جامع استعلام وضعیت مالی افراد»، «برگزاری جلسات مقدماتی به منظور بررسی مستندات دعوی»، «تفکیک هزینه دعاوی حقوقی و کیفری از یکدیگر»، و نهایتاً «تعیین هزینه دادرسی بر اساس وضعیت اقتصادی اطراف دعوی».

واژگان کلیدی: هزینه دادرسی، میزان هزینه دادرسی، تعدیل ثروت، دعاوی واهی.



## مقدمه

در دنیای امروز، دسترسی به عدالت و برقراری آن از جمله مهم‌ترین اهداف نظام‌های قضایی محسوب می‌شود. هزینه دادرسی یکی از مؤلفه‌های کلیدی در این فرایند است که می‌تواند تأثیر مستقیمی بر دسترسی مردم به عدالت داشته باشد. بررسی میزان هزینه‌های دادرسی و تحلیل روش‌های پرداخت این هزینه‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا می‌تواند موانع موجود در مسیر دسترسی به عدالت را شناسایی و کاهش دهد.

این پژوهش به منظور بررسی و تحلیل هزینه‌های دادرسی در نظام قضایی ایران و انگلیس و همچنین تحلیل مبانی فقهی و حقوقی اخذ این هزینه‌ها انجام شده است. روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از منابع معتبر علمی، قانونی و سایت‌های رسمی دولتی، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری و تحلیل شده است. این روش امکان بررسی دقیق و جامع هزینه‌های دادرسی و مقایسه آن‌ها بین دو نظام قضایی مختلف را فراهم می‌آورد.

پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که تاکنون پژوهش‌های متعددی در زمینه هزینه‌های دادرسی انجام شده است، از جمله آن‌ها «تحلیل مبانی و مسائل هزینه دادرسی در دعاوی اداری؛ مورد پژوهی دیوان عدالت اداری» نوشته علی مشهدی، «هزینه دادرسی در فقه و حقوق ایران و مطالعه تطبیقی حقوق فرانسه» نوشته رویا زندوکیلی، «هزینه خدمات قضایی حقوقی در ایران از منظر اصول دادرسی استاندارد و عادلانه» نوشته جواد سلیمانی، «بررسی تطبیقی نظام حقوقی ایران و آمریکا در خصوص هزینه‌های دادرسی» نوشته مرضیه ارجمندی، «هزینه‌های دادرسی از منظر فقه و حقوق موضوعه» نوشته فائزه قلعه نوی می باشد.

مقاله پیش رو از دو حیث حائز اهمیت می باشد: الف. تمامی مقالات و آثار یاد شده به اصل هزینه دادرسی و اخذ آن توسط دستگاه قضایی پرداخته است اما مقاله پیش رو به میزان هزینه‌های دادرسی می پردازد. ب. آثار بسیار معدودی بین میزان هزینه دادرسی در ایران و انگلستان مقایسه نموده است، بنابراین به نوبه خود یک اثر منحصر به فرد می باشد. این پژوهش با بررسی دقیق‌تر و جامع‌تر تلاش دارد تا تصویری کامل از وضعیت میزان هزینه‌های دادرسی در نظام‌های قضایی ایران و انگلیس ارائه دهد. همچنین، تحلیل مبانی فقهی و حقوقی اخذ این هزینه‌ها در ایران و بررسی دیدگاه‌های فقها در این زمینه از دیگر اهداف این پژوهش است. همچنین پیشنهاداتی برای بهبود و اصلاح سیستم هزینه‌های دادرسی در ایران ارائه شده است که می‌تواند به عنوان راهکارهایی برای

تسهیل دسترسی به عدالت و کاهش موانع اقتصادی برای مردم مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، اخذ هزینه دادرسی در ایران به دو صورت ثابت و متغیر انجام می‌پذیرد. هزینه‌های ثابت وابسته به قیمت و ارزش عرفی اعیان و خدمات بوده و معقول و متعارف هستند. اما اخذ هزینه به صورت نسبی و وابسته به ارزش خواسته، نیازمند تحلیل و بررسی مبانی فقهی و حقوقی می‌باشد. از جمله مبانی‌ای که برای اتخاذ نسبی هزینه‌ها می‌توان بیان داشت، تلازم خسارت و فائده، قواعد فقهی همچون «من له الغنم فعليه الغرم» و «الخراج بالضمن»، و نظام اقتصادی اسلام برای تعدیل ثروت است. همچنین، ضرورت و مصلحت حفظ نظام حاکمیتی و جبران خسارت بیشتر در دعاوی با ارزش خواسته بالا نیز از دیگر مبانی فقهی و حقوقی در این زمینه می‌باشند.

#### ۱. مفهوم شناسی

در ابتدا به واژه شناسی قضا، دادرسی و هزینه دادرسی پرداخته می‌شود تا از خطای اشتراک لفظی جلوگیری گردد.

#### ۱.۱. مفهوم شناسی قضا و دادرسی

دادرسی در زبان عربی معادل کلمه قضاء (ابن منظور، بی تا، ۱۵، ص ۱۸۷) و در زبان انگلیسی معادل کلمه «Litigation» (<https://legal-dictionary.thefreedictionary.com>) به معنای محاکمه، حکم برای رفع خصومت و به‌عنوان عمل دادرسی به کار می‌رود (دهخدا، ۱۳۷۳، ۶، ص ۷۹۲۳). این واژه در قرآن کریم به ۱۰ معنای مختلف من جمله ۱. اراده. مثل «وَ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (بقره: ۱۱۷). ۲. حکم و الزام. مثل «وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ» (اسراء: ۲۳). ۳. اعلام و خبر دادن. مثل «وَ قَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ» (اسراء: ۴). ۴. تمام کردن. مثل «فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ» (قصص: ۲۹) و... استعمال شده است (قرشی علی اکبر، ۱۳۷۱، ۶، ص ۱۷). واژه قضا برای معنای حکم و قضاوت و داوری نیز از آن جهت که به خاطر قضاوت و داوری یک امری برای شخصی لازم می‌شود و قاضی شخص را الزام به انجام کاری می‌کند وارد در معنای دوم می‌باشد. (راغب اصفهانی، حسین، ۱۳۶۹، ۳، ص ۲۱۱)

از نظر صاحب‌نظران دینی عرب، کلمه «قضاء» به معنای «دادرسی میان مردم به هنگام ستیزه و مجادله» (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹، ۳، ص ۲) یا «ولایت شرعی در صدور حکم و ثبات حق و گرفتن آن به سود ذی‌حق» (نراقی، ۱۴۱۵، ۶، ص ۱۷) و همچنین «حکمی که از طرف دادرسی برای رفع

منازعه و مخاصمه بین افراد داده می‌شود» تعریف گشته است (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹، ۳، ص ۲).

## ۲.۱. مفهوم شناسی هزینه دادرسی

۱. هزینه دادرسی در انگلیسی معادل کلمه «Court costs» بوده (Cote, J. E., 1969, p525) و در اصطلاح حقوقی خصوصاً با توجه به تعریفی که ماده ۵۰۲ قانون آیین دادرسی مدنی ایران مطرح نموده است به تمامی هزینه‌هایی گفته می‌شود که دستگاه قضایی بابت دادرسی و برقراری عدالت از طریق رفع خصومات و احقاق حقوقی ذی‌حقان به نسبت پرونده‌ها از خواهان یا شاکی اخذ می‌کند. چنین اصطلاحی در ادبیات فقهی جز اجرت قاضی یا ارتزاق قاضی از بیت‌المال و یا معاملاتی همچون جعاله و صلح و... میان خواهان و قاضی دیده نمی‌شود (خویی، ۱۴۱۷، ص ۴۸۲).

بنابراین می‌توان گفت که اصطلاح حقوقی هزینه دادرسی اعم از معنای فقهی آن بوده و علاوه بر اینکه شامل قضاوت قاضی می‌باشد، تمامی هزینه‌های دیگر بابت خدمات و اعیان مصرفی در دستگاه قضایی را نیز شامل می‌گردد. این هزینه‌ها در ماده ۳ وصول برخی از درآمدهای دولتی ایران به‌طور مفصل‌تر بیان شده است.

## ۲. میزان هزینه‌های دادرسی در نظام قضایی ایران

هزینه‌هایی که در دستگاه قضایی ایران از افراد اخذ می‌گردد از جهت متعلق آن تحت یکی از عناوین زیر قرار می‌گیرد:

۱. هزینه‌هایی که بابت اموال مصرفی در فرایند دادرسی از خواهان یا شاکی اخذ می‌گردد. همچون هزینه اوراق دادخواست، اظهارنامه، برگ اجرائیه دادگاه‌ها و هیئت‌های حل اختلاف. این هزینه‌ها به‌صورت ثابت و با قیمت‌گذاری متعارف و معقول از افراد اخذ می‌گردد.

۲. هزینه‌هایی که بابت «خدمات» انجام‌شده اخذ می‌گردد. این هزینه‌ها با توجه به نوع ارتباط با امر قضاوت و دادرسی به دو قسم تقسیم می‌گردد:

الف. هزینه خدماتی که لازمه قضاوت و دادرسی می‌باشند شامل: گواهی امضای مترجم توسط دادگستری، پلمپ اوراق ترجمه‌شده، پلمپ گواهی صحت ترجمه یا مطابقت رونوشت و تصویر با اصل، هزینه اجرای موقت احکام، هزینه تطبیق اوراق با اصل آن‌ها در دفاتر دادگاه‌ها و دیوان عدالت

اداری، هزینه ابلاغ اظهارنامه و واخواست نامه، هزینه صدور گواهی عدم سوء پیشینه کیفری، هزینه اجرای دعوای غیرمالی و هزینه اجرای ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۳. این هزینه‌ها نیز به صورت ثابت و با توجه به میانگین هزینه‌های مصروفه برای هرکدام اخذ می‌گردد. به نظر می‌رسد که این مقادیر نیز از جهت عرفی و عقلی، متعارف و معقول است و تفاوت چندانی با اجرت‌المثل مرسوم بین عقلاء ندارد.

ب. اصل قضاوت قاضی: شامل: شکایت به دادسرای انتظامی قضات، تقدیم دادخواست به دیوان عدالت اداری شعب دیوان یا تجدیدنظر، طرح پرونده حقوقی یا کیفری در شورای حل اختلاف، هزینه دادرسی در دعوای غیرمالی، هزینه دادرسی موضوع بند ۱۲ ماده ۲ قانون وصول برخی از درآمدهای دولتی در مرحله بدوی، تجدیدنظر و فرجام‌خواهی، هزینه دادرسی در صورت جهل به قیمت خواسته، هزینه دادخواست تجدیدنظر از آراء قابل تجدیدنظر در دادگاه و دیوان عالی کشور، هزینه رسیدگی به شکایت کیفری علیه صادرکننده چک بی‌محل، هزینه دادرسی در مرحله تجدیدنظر از احکام کیفری، طرح دعوی غیرمالی و امور حسبی در مرحله بدوی و تجدیدنظر و...

اما با توجه به میزان هزینه‌هایی که توسط دستگاه قضایی برای دادرسی یا خدمات و اعیان لازم برای دادرسی و یا اجراء احکام از طرفین دعوا اخذ می‌گردد، می‌توان سه دسته کلی را بیان نمود (مطابق جدول ۱۶ لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ و قانون نحوه وصول برخی از درآمدهای دولتی):

۱. ثابت: دسته اول هزینه‌هایی است که نسبت به افراد و دعوای مختلف ثابت بوده و مطابق با قوانین بودجه‌ای کشور از افراد اخذ می‌گردد. این هزینه‌ها شامل:
  - أ. بهاء اعیان استفاده‌شده در فرایند قضایی مثل اوراق دادخواست و اظهارنامه و...
  - ب. هزینه دادرسی در دعوای مالی‌ای که نسبت به ارزش خواسته جهل وجود دارد.
  - ج. هزینه درخواست تصویر از اوراق پرونده
  - د. هزینه اعتراض و درخواست تجدیدنظر از قرارهای قابل تجدیدنظر
  - ه. هزینه تطبیق اوراق با اصل
  - و. هزینه صدور گواهی از دفاتر مراجع قضایی
  - ز. هزینه ابلاغ اظهارنامه
  - ح. هزینه درخواست اجرای ماده ۴۷۷

- ط. هزینه اجرای موقت احکام در کلیه مراجع قضایی
- ی. هزینه اعتراض شخص ثالث به اجرای احکام مدنی
- ک. هزینه تقدیم شکایت کیفری و اعتراض در مراحل مختلف
- ل. هزینه تقدیم شکایت به دادسرای انتظامی قضات
۲. هزینه‌های متغیر با حداقل و حداکثر معین توسط قانونگذار: این هزینه‌ها متناسب با عوامل مختلف و یا صلاحدید قاضی در بازه قیمتی خاصی متغیر می‌باشد. این هزینه‌ها شامل:
- أ. هزینه اجرای احکام دعاوی غیرمالی
- ب. هزینه اجرای احکامی که محکوم به آن تقویم نشده است
- ج. هزینه اجراء آراء و تصمیمات مراجع غیر دادگستری
- د. هزینه دادرسی دعاوی غیرمالی و درخواست تأمین دلیل و تأمین خواسته
۳. هزینه‌هایی که متناسب با ارزش خواسته متغیر بوده و هیچ محدودیتی برای آن وجود ندارد.
- این هزینه‌ها شامل
- أ. هزینه رسیدگی به شکایت کیفری علیه صادرکننده چک بی‌محل نسبت به مازاد بر یک صد میلیون ریال
- ب. هزینه اجراء احکام دعاوی مالی موضوع بند ۱ ماده ۱۵۸ ق ۱۱ م
- ج. هزینه دادرسی دعاوی مالی در مرحله فرجام‌خواهی و اعاده دادرسی و اعتراض ثالث
- د. هزینه دادرسی دعاوی مالی در مرحله تجدیدنظر
- ه. هزینه دادرسی دعاوی مالی در مرحله بدوی (با توجه به تفصیل بیان شده بین ارزش خواسته بالاتر از بیش از ۲۰ میلیون ریال و کمتر از آن)
- به طور کلی هزینه‌هایی که در روند دادرسی از طرفین دعوا گرفته می‌شود (جز هزینه کارشناسان و وکلا) به شرح جدول زیر می‌باشد:

	عنوان هزینه	توضیحات	تعرفه دریافتی/ریال
تعداد	اوراق	بهای اوراق دادخواست و اظهارنامه و برگ اجراییه دادگاه ها و هیئت های حل اختلاف موضوع قانون کار برای هر برگ	20 هزار
تعداد	ابلاغ	هزینه ابلاغ اظهارنامه و واخواست نامه در هر مورد	100 هزار

	مراجعه	هزینه گواهی امضای مترجم توسط دادگستری برای هر مورد	300 هزار
		هزینه صدور گواهی از دفاتر مراجع قضایی	50 هزار
		هزینه صدور گواهی عدم سوءپیشینه کیفری - نسخه اول	200 هزار
		هزینه صدور گواهی عدم سوءپیشینه کیفری - نسخه های بعدی	150 هزار
		هزینه پلمپ اوراق ترجمه شده توسط مترجم رسمی دادگستری	300 هزار
	پلمپ	هزینه پلمپ گواهی صحت ترجمه در هر مورد	300 هزار
		هزینه مطابقت رونوشت و تصویر با اصل در هر مورد	300 هزار
	تطبیق	هزینه تطبیق اوراق با اصل آن ها در دفاتر دادگاه ها و دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضائی	15 هزار
		هزینه درخواست تصویر از اوراق پرونده	50 هزار
	درخواست اجرا	هزینه درخواست اجرای ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲	۳۰۰ هزار
حقوقی مالی	دادرسی بدوی	هزینه دادرسی موضوع بند ۱۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت	در مرحله بدوی تا مبلغ دویست میلیون ریال دو و نیم درصد ارزش خواسته
		در مرحله بدوی بیش از دویست میلیون ریال سه و نیم درصد ارزش خواسته	۳.۵ درصد
دادرسی مدنی			

			تجدید نظر.	
	در مرحله تجدیدنظر چهار و نیم درصد ارزش خواسته	۴.۵ درصد		
	در مرحله فرجام خواهی پنج و نیم درصد ارزش خواسته	۵.۵ درصد	فرجام خواهی	
	هزینه دادرسی در صورتی که قیمت خواسته در دعاوی مالی در موقع تقدیم دادخواست مشخص نباشد	۱ میلیون و ۵۰۰ هزار	ارزش خواسته نامعلوم	
	از ۴۰۰ هزار ریال تا ۱ میلیون و ۸۰۰ هزار ریال طبق بخشنامه رئیس قوه قضاییه		هزینه دادرسی در دعاوی غیرمالی، درخواست تأمین دلیل و تأمین خواسته در کلیه مراجع قضائی بسته به نوع دعوی	حقوقی غیر مالی
	300 هزار		هزینه اجرای موقت احکام در کلیه مراجع قضائی	اجرای موقت
	۵ درصد محکوم به		هزینه اجرای احکام دعاوی مالی موضوع بند ۱ ماده ۱۵۸ قانون اجرای احکام مدنی	اجرای احکام
	از ۴۰۰ هزار ریال تا ۱ میلیون و ۸۰۰ هزار ریال طبق بخشنامه رئیس قوه قضاییه		هزینه اجرای احکام دعاوی غیرمالی و احکامی که محکوم به آن تقویم نشده و هزینه اجرای آرا و تصمیمات مراجع غیردادگستری	اجرای احکام دعاوی غیرمالی
	تا مبلغ یک میلیون ریال	60 هزار		
	نسبت به مازاد تا ده میلیون ریال	300 هزار		
	نسبت به مازاد تا یکصد میلیون ریال	400 هزار		
			هزینه رسیدگی به شکایت کیفری علیه صادرکننده چک بلامحل	چک بی محل
				کیفری



یک هزارم مقدار چک ۱	مزداد بر یکصد میلیون ریال، به میزان یک در هزار			
100 هزار	افراد ناتوان مالی به تشخیص دادستان یا رئیس حوزه قضایی از پرداخت این هزینه معاف هستند	تقدیم شکایت کیفری	تقدیم شکایت	
300 هزار		تقدیم شکایت به دادرسی انتظامی قضات	دادسرای انتظامی قضات	
300 هزار		هزینه دادرسی در مرحله تجدیدنظر از احکام کیفری	تجدید نظر	
300 هزار		هزینه درخواست اجرای ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴	درخواست اجرا	
500 هزار		هزینه اعاده دادرسی کیفری در دیوان عالی کشور	هزینه اعاده دادرسی	
200 هزار		هزینه اعتراض به قرارهای قابل اعتراض دادرسی	اعتراض به قرار	اعتراض
300 هزار		هزینه اعتراض و درخواست تجدیدنظر از قرارهای قابل تجدیدنظر در دادگاه و دیوان عالی کشور	اعتراض به قرار	
200 هزار		اعتراض شخص ثالث به اجرای احکام مدنی	اعتراض به اجرا	

<sup>۱</sup> برای مثال اگر میزان چک بی محل ۱ میلیارد ریال باشد، ۱ میلیون ریال تعرفه پرداخت می گردد

### ۳. میزان هزینه‌های دادرسی در نظام قضایی انگلیس

در این بخش به صورت مختصر میزان هزینه‌هایی که در نظام قضایی انگلیس اخذ می‌گردد، بررسی و توصیف می‌شود.

تمامی این هزینه‌ها با بررسی لیست هزینه‌هایی که سایت رسمی حکومت بریتانیا با عنوان Fees in the Civil and Family Courts - full list (EX50A) منتشر کرده است، نوشته شده است. <https://www.gov.uk/government/publications/fees-in-the-civil-and-family-courts-full-list-ex50a>

با بررسی تعرفه‌های متفاوتی که در دادگاه‌های انگلستان از اشخاص اخذ می‌گردد، میتوان گفت که هزینه‌های متخذه یا به صورت ثابت هستند یا متغیر و وابسته.

حداقل هزینه‌های ثابت ۵ پوند و حداکثر آن ۱۰ هزار پوند می‌باشد. اما هزینه‌های متغیر و نسبی به دو صورت می‌باشد.

الف. در بازه هزینه‌ای معین: بدین صورت که بر فرض تعرفه برای برخی خدماتی که ارزش آن‌ها از ۱۰ هزار پوند تا ۲۰۰ هزار پوند باشد، ۵ درصد ارزش خواسته در نظر گرفته میشود؛ حداقل این هزینه‌ها ۵۰۰ پوند و حداکثر آن که در قبال خواسته با ارزش ۲۰۰ هزار پوندی میباشد، ۱۰ هزار پوند میباشد.

ب. هزینه‌هایی که سقفی برای آن‌ها وجود ندارد. طبق لیست هزینه‌های مطرح، فروش اموال در دادگاه محلی یا شهرستان (Sale (County Court)) مستوجب پرداخت هزینه‌ای نسبی میباشد. حداقل این نسبت ۵ درصد ارزش مال و حداکثر آن ۱۵ درصد میباشد. (بند ۱۶.۱ تا ۱۶.۴ in Fees in the Civil and Family Courts - full list (EX50A))

به طور کلی می‌توان بخشی از هزینه‌های دادگاه‌های انگلستان را به صورت زیر دسته بندی نمود:

۱. هزینه‌های ثبت دعاوی<sup>۱</sup>
  - دعاوی مالی<sup>۲</sup>:
    - تا ۳۰۰ پوند: ۳۵ پوند
    - بین ۳۰۰ تا ۱۰۰۰۰ پوند: ۵۰ تا ۴۵۵ پوند
    - از ۱۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰ پوند: ۵٪ از مبلغ ادعا
    - بیش از ۲۰۰۰۰۰ پوند: ۱۰۰۰۰ پوند
  - دعاوی غیرمالی<sup>۳</sup>:
    - دعاوی در دادگاه شهرستان<sup>۴</sup>: ۳۶۵ پوند
    - دعاوی در دادگاه عالی<sup>۵</sup>: ۶۲۶ پوند
۲. هزینه‌های جلسات دادرسی<sup>۶</sup>
  - جلسات دادرسی مالی<sup>۷</sup>:
    - دعاوی کوچک<sup>۸</sup>: ۲۵ تا ۳۳۵ پوند
    - دعاوی چند مسیری و پیچیده<sup>۹</sup>: ۵۴۵ تا ۱۷۰۰ پوند
  - جلسات دادرسی غیرمالی<sup>۱۰</sup>:
    - دستورات جلوگیری از رفتار ضداجتماعی<sup>۱۱</sup>: ۲۸۰ تا ۱۰۹۰ پوند
۳. هزینه‌های تجدید نظر<sup>۱۲</sup>
  - تجدید نظر در دادگاه شهرستان<sup>۱۳</sup>:
    - دعاوی در دادگاه شهرستان<sup>۱۴</sup>: هزینه تجدید نظر بین ۱۲۰ تا ۲۴۰ پوند متغیر

---

Issue Fees	<sup>۱</sup>
Money Claims	<sup>۲</sup>
Non-Money Claims	<sup>۳</sup>
County Court	<sup>۴</sup>
High Court	<sup>۵</sup>
Hearing Fees	<sup>۶</sup>
Financial Hearings	<sup>۷</sup>
Small Claims	<sup>۸</sup>
Multi-Track Claims	<sup>۹</sup>
Non-Financial Hearings	<sup>۱۰</sup>
Anti-Social Behavior Injunctions	<sup>۱۱</sup>
Appeal Fees	<sup>۱۲</sup>
County Court Appeals	<sup>۱۳</sup>
County Court	<sup>۱۴</sup>

است.

- دعاوی در دادگاه عالی<sup>۱</sup>: هزینه تجدید نظر ثابت ۵۲۸ پوند.
- دعاوی در دادگاه عالی محاکم<sup>۲</sup>: هزینه تجدید نظر بسته به نوع دعاوی متفاوت است:

- دعاوی بدون موافقت<sup>۳</sup>: ۶۲۶ پوند
- دعاوی با موافقت<sup>۴</sup>: ۱۴۲۱ پوند.

- تجدید نظر در دادگاه عالی<sup>۵</sup>:

- هزینه ثابت ۵۲۸ پوند

- ۴. هزینه‌های تملک<sup>۶</sup>

- دعاوی تملک زمین<sup>۷</sup>:

- هزینه دعاوی تملک زمین ساده<sup>۸</sup>: ۳۵۵ پوند
- هزینه دعاوی تملک زمین پیچیده‌تر<sup>۹</sup>: ۳۸۵ پوند

- دعاوی تملک اموال<sup>۱۰</sup>:

- هزینه دعاوی تملک اموال ساده: ۳۵۵ پوند
- هزینه دعاوی تملک اموال پیچیده‌تر: ۳۸۵ پوند

- ۵. هزینه‌های اجرایی<sup>۱۱</sup>

- صدور احکام اجرایی<sup>۱۲</sup>:

- صدور احکام اجرایی ساده: ۴۵ پوند
- صدور احکام اجرایی پیچیده‌تر: ۱۱۰ پوند

---

High Court	<sup>۱</sup>
Court of Appeal	<sup>۲</sup>
Without Permission	<sup>۳</sup>
With Permission	<sup>۴</sup>
High Court Appeals	<sup>۵</sup>
Possession Fees	<sup>۶</sup>
Land Possession Claims	<sup>۷</sup>
Simple Land Possession Claim	<sup>۸</sup>
Complex Land Possession Claims	<sup>۹</sup>
Goods Possession Claims	<sup>۱۰</sup>
Enforcement Fees	<sup>۱۱</sup>
Issuing Enforcement Orders	<sup>۱۲</sup>

• دستورات اجرایی<sup>۱</sup>:

○ دستورات جلوگیری از اقدامات خاص<sup>۲</sup>: ۱۰۰ تا ۲۵۵ پوند

۶. هزینه‌های فروش<sup>۳</sup> در دادگاه‌های شهرستان

• انتقال کالاها به محل امن یا انبار<sup>۴</sup> (بند ۱۶.۱ هزینه‌های دادگاه‌های مدنی)

○ هزینه‌ها برابر با هزینه‌های معقول صرف‌شده، شامل هزینه‌های معقول برای تغذیه

و مراقبت از هر حیوان یا انتقال جنس به انبار و ... است

• ارزیابی کالاها<sup>۵</sup> (بند ۱۶.۲ هزینه‌های دادگاه‌های مدنی)

○ هزینه: ۵ پنس در هر ۱ پوند از ارزش ارزیابی شده

• فروش کالاها<sup>۶</sup> (بند ۱۶.۳ هزینه‌های دادگاه‌های مدنی)

○ ۱۵ پنس در هر ۱ پوند از مقدار به دست آمده از فروش

• عدم فروش یا انصراف، تصفیه یا توقف اجرا<sup>۷</sup> (بند ۱۶.۴ هزینه‌های دادگاه‌های مدنی)

○ شامل ۱۰ پنس در هر ۱ پوند از ارزش کالاهای توقیف شده (ارزش به ارزیابی

رسیده در صورت ارزیابی کالاها) یا هر مقدار دیگری که قاضی ناحیه مناسب

بداند، به علاوه هزینه‌های ۱۶.۱ و ۱۶.۲ است.

البته هزینه‌های متخذه در دادگاه‌های انگلستان منحصر در موارد مذکور نمیباشد. هزینه‌هایی همچون هزینه کارشناسی، هزینه‌های مربوط به دادگاه‌های خانواده، هزینه وکیل و ... من جمله آنها می باشد.

آنچه که از بیان این موارد حاصل شد این است که غیر از هزینه فروش کالا که سقفی برای آن در قانون ذکر نشده است، حداکثر هزینه‌های هر بخش ۱۰ هزار پوند میباشد. البته این بدین معنا نیست که در هر دادرسی فقط ۱۰ هزار پوند از شخص اخذ می گردد بلکه ممکن است تحت عناوین

<sup>۱</sup> Enforcement Orders

<sup>۲</sup> Preventive Orders

<sup>۳</sup> Sale Fees

<sup>۴</sup> Removing goods to a place of deposit

<sup>۵</sup> Appraisalment of goods

<sup>۶</sup> Sale of goods

<sup>۷</sup> No sale – execution withdrawn, satisfied or stopped

دیگر هزینه های دیگری نیز گرفته شود. برای مثال هزینه ثبت درخواست با هزینه بررسی درخواست، هزینه کارشناس، هزینه اقالام مصرفی و ... متفاوت بوده و هر کدام جداگانه از شخص گرفته می شود.

#### ۴. بررسی فقهی و حقوقی میزان هزینه های قضایی متخذه

##### ۴.۱. مبانی فقهی حقوقی میزان هزینه های دادرسی

همان گونه که گذشت، میزان هزینه هایی که در ایران بابت دادرسی از افراد اخذ می گیرد، به دو صورت ثابت و متغیر انجام می پذیرد. اخذ هزینه دادرسی به صورت ثابت، وابسته به قیمت و ارزش عرفی اعیان و یا خدماتی است که مورد استفاده قرار می گیرد و نیازمند بررسی نیست. اما اخذ هزینه به صورت نسبی و وابسته به ارزش خواسته، نیازمند تحلیل و بررسی مبانی فقهی حقوقی اتخاذ هزینه ها به صورت درصدی می باشد. مبانی ای که برای اتخاذ نسبی هزینه می توان بیان داشت، به شرح ذیل می باشد:

##### ۴.۱.۱. تلازم خسارت و فائده

ممکن است فلسفه وابستگی هزینه دادرسی در دعاوی حقوقی مالی به ارزش خواسته، به جهت تلازم خسارت و فائده باشد. کسی که از فرایند قضایی سود بیشتری به دست می آورد می بایستی هزینه بیشتری (خسارت مالی بیشتری) نیز متقبل شود. یعنی مقدار بیشتری از هزینه هایی که دستگاه قضایی متحمل می شود را بر عهده گیرد. برای مثال اگر هزینه های یک ساله دستگاه قضایی یک همت<sup>۱</sup> باشد، این هزینه ها متناسب با ارزش خواسته اشخاص، بین متقاضیان تقسیم می گردد. البته این روش به معنای تناسب دقیق و عقلی و متوازن بین هزینه کرد های دستگاه قضایی و پرداختی های اشخاص در طول یک سال نیست و ممکن است درآمدهای دستگاه قضایی از طریق هزینه دادرسی کمتر یا بیشتر از هزینه هایی باشد که متحمل شده است.

این قاعده می تواند ذیل عناوین و قواعد ذیل قرار گیرد:

---

<sup>۱</sup> همت: هزار میلیارد تومان

## الف. من له الغنم فعليه الغرم

مطابق این قاعده، هر کس که از منافع و سود دارایی برخوردار است، زیان و خطر دارایی را نیز به عهده دارد.

عین این عبارت به‌عنوان یک قاعده در لسان فقهای اهل سنت در قرون متقدم و متأخر استعمال نشده است، به‌گونه‌ای که در بین کتاب‌های فقهی معتبر مذاهب اربعه اهل سنت حتی با یک مورد عبارت «من له الغنم فعليه الغرم» مواجهه نمی‌شود. در کتب فقهای متقدم شیعه نیز با این عنوان قاعده‌ای وجود ندارد. سید بحرالعلوم برای اولین بار از این قاعده با همین عنوان استفاده نموده و به آن استناد نموده است. (بحرالعلوم، ۱۴۰۳ق، ۱/۱۸۷) و پس از او فقهای دیگر به این قاعده استناد کرده‌اند.

سید مرتضی برای اولین بار در بحث رهن، روایتی را از پیامبر نقل می‌کند که در آن برای اثبات اینکه باب رهن برای راهن نسبت به مال مرهونه بسته نیست، به این قسمت از روایت پیامبر ص استناد می‌کند که حضرت ص می‌فرماید: «له غنمه و علیه غرمه» (الدارقطنی، ۱۴۲۴ق، ۳/۴۳۷). تعبیر «له غنمه و علیه غرمه» در باب رهن کتب روایی اهل سنت نیز به‌وفور آمده است (مزی، ۱۴۰۳ق، ۲۱۳/۱۳؛ الشافعی، ۱۴۰۰، ۲۵۱).

البته نوشته‌های فقهی معاصر نیز در بحث‌های متنوع خو از ارجاع به این قاعده بی‌بهره نبوده است. فقیهی آن را قضیه معروفه قلمداد می‌کند (اراک، ۱۴۱۵ق، ۱/۱۹۱). همچنین فقیه دیگری نیز در موارد متعددی به‌قاعده اشاره داشته و اعتبار آن را فی‌الجمله مورد قبول می‌داند (سبزواری، ۱۳۱۴ق، ۲۹/۳۴۷).<sup>۱</sup>

## ب. الخراج بالضمان

این قاعده تفاسیر مختلفی در بین فقها دارد. امام مرحوم امام خمینی (ره) این قاعده را ناظر به مباحث حکومتی دانسته و از آن برای استدلال به مبالغی استفاده می‌کنند که والی به بهانه‌های مختلف از مردم می‌گیرد. این مبالغ در برابر تعهداتی است که در قبال مردم و مصالح دولت دارد (امام خمینی، بیع، ۱/۴۶۸).

مطابق این قاعده مالیات در مقابل ضمانت‌ها و تعهدات گرفته می‌شود. به‌بیان‌دیگر در مقابل

<sup>۱</sup> برای مطالعه بیشتر رک: قزوینی، سید علی، مسعودیان زاده، سید ذبیح‌الله، قاعده من له الغنم فعليه الغرم فصل نامه پژوهشنامه اندیشه‌های حقوقی، زمستان ۹۳، ص ۷۵-۹۱

سودی که حکومت تحت عنوان تعهدات خویش به آحاد مردم می‌رساند، از آن‌ها غرامت و هزینه دریافت می‌کند.

عمده اخباری که در خصوص قاعده الخراج بالضمان وجود دارد از طریق عامه نقل شده است. اهل سنت روایات مربوط به الخراج بالضمان را از عایشه نقل نمودند مانند حدیث: «ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قضی ان الخراج بالضمان» و حدیث دیگر درباره مردی که عبدی را می‌خرد و آن را بکار می‌گیرد و لکن پس از مدتی به جهت وجود عیب آن را برمی‌گرداند. حضرت رسول ص در جواب اعتراض بائع نسبت به اینکه مشتری از عبدش استفاده کرده است فرمودند: «الخراج بالضمان». توضیح اینکه اگر عبد قبل از فسخ به خیار تلف می‌شد از دارائی مشتری بود پس منافع عبد در این مدت نیز به جیب او خواهد رفت. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۹ ق، ۲/۲۷۶) البته در کتب امامیه صرفاً یک روایت مرسله از عوالی الآلی نقل شده است (نوری، ۱۴۰۸ ق، ۱۳/۳۰۲) با توجه به ارتباط بین مالیات مأخوذه توسط حاکمیت و تعهدات و مسئولیت‌های بر عهده او، می‌توان گفت که هرچه مسئولیت‌های فراتر رود می‌تواند مالیات و هزینه‌های مأخوذه نیز افزایش یابد. پس رابطه‌ای نسبی میان این دو وجود دارد.

### ج. النقمه بقدر النعمه و النعمه بقدر النقمه

با توجه به این قاعده، لقیط اگر نیاز به نفقه داشته باشد یا اگر مرتکب قتل موجب دیه شود، نفقه و دیه بر عهده بیت‌المال است، زیرا در صورت فوت لقیط، ترکه او متعلق به بیت‌المال است. این قاعده به‌عنوان یک ماده در مجله الاحکام آمده<sup>۱</sup> و برخی شارحین تصریح کرده‌اند که همان معنای قاعده «الخراج بالضمان» و قاعده «الغرم بالغنم» دارد و تفاوت بین این سه قاعده، تنها یک تفاوت لفظی است (حیدر، ۱۴۲۳ ق، ۸۲/۱؛ آل کاشف الغطاء، ۱۳۵۹ ق، ۵۶/۱). از آنجایی که سود حاصله تحت عنوان ترکه (در صورت فوت لقیط) به بیت‌المال تعلق می‌گیرد، نفقه نیز بر عهده بیت‌المال است. تلازم سود و خسارت معیاری است که علاوه بر اصل تحمل هزینه، میزان هزینه و خسارت متحمل را نیز متناسب با سود حاصله اثبات می‌نماید.

مستفاد از این قاعده در محل بحث اینگونه است که اشخاص به میزان سودی که از دادرسی به دست می‌آورند هزینه باید پرداخت کنند. بنابراین تناسب هزینه دادرسی با ارزش خواسته یک امر موجه

<sup>۱</sup> ماده ۸۸ مجله الاحکام. مجله الاحکام العدلیه. ص ۲۶.



می باشد. پس این قاعده نیز بیانگر رابطه میان خسارت و سود می باشد. کاربرد این قاعده در چندین مبحث فقهی - حقوقی قابل مشاهده می باشد. که پرداخت به آن خروج از موضوع می باشد.<sup>۱</sup>

#### ۴.۱.۲. نظام اقتصادی اسلام برای تعدیل ثروت

یکی از عناصر اقتصادی از نگاه اسلام تعدیل ثروت است (صدر، ۱۴۱۷ق، ۳۰۳). هرچند تفاوت افراد در دستیابی به مال قابل انکار نیست؛ چه این تفاوتها تکوینی بوده و افراد بشر از حیث استعداد جسمی، روحی، صبر، شجاعت، همت، ذکاوت و نوآوری و توانایی بدنی و امثال آن با یکدیگر اختلاف دارند. این تفاوتها نتیجهی امور قهری‌ای که طبقه اجتماعی در اثر وضعیت اقتصادی بر او تحمیل کرده باشد نیست و از بین بردن آن نه ممکن است و نه مفید؛ زیرا همین اختلافات کاروان تمدن بشری را به جلو برده و می‌برد و امکان رشد و ترقی جامعه را فراهم می‌آورد. (جوادی آملی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۱۹؛ صدر، ۱۴۱۷ق، ۷۰۷-۷۰۶) قرآن این تفاوتها را نشانه حکمت و تدبیر الهی معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴ ه ش، ۲۰/ص ۱۰۴-۱۰۲) و می‌فرماید:

«ما لکم لاترجون لله وقارا وقد خلقکم اطوارا» (نوح/۱۴-۱۳).

پس درعین پذیرش تفاوت تکوینی افراد در استعدادها و روحیات، اسلام می‌گوید میان افراد و اقشار جامعه نباید فاصله زیاد در برخورداری از مواهب مادی وجود داشته باشد و از این رو برای ایجاد توازن در جامعه، به تعدیل ثروت (برای ایجاد عدالت اقتصادی) فرمان می‌دهد. امام علی

<sup>۱</sup> الف. مساله رهن: اگر عیدی در رهن فردی قرار گیرد، منافع این عبد در بازه زمانی رهن بر عهده مولی است به این دلیل که اگر در این مدت عبد خسارتی وارد کند، این خسارات نیز بر عهده مولی می باشد. (حر عاملی، ۱۴۱۴، ۱۸/۳۸۷) ب. مساله ولاء و ارث و ضمان: در باب ضمان ولاء، مسئولیت جنایات جنایی در عرض ارث قرار گرفته است به گونه ای که عدل و نقطه مقابل ارث محسوب گشته است. بنابراین چون مولی وارث ترکه عبد آزاد شده (در صورت عدم وجود عصبه) میباشد، عاقله او نیز محسوب می گردد. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۶/۲۴۵؛ موسوی خویی، ۱۴۲۲ق، ۲/۵۴۵) ج. مساله نماء و درک: در روایتی چنین بیان شده است که اگر شخصی خانه ای را به صورت بیع شرط فروخته باشد و بائع حق فسخ داشته باشد، منافع آن خانه برای کیست؟ امام فرمودند: «أرأیت لو أن الدار احترقت من مال من کانت؟ تکون الدار دار مشتری» «برای مشتری. زیرا اگر خانه در این مدت آتش بگیرد مال مشتری از بین رفته است.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۸/۲۰) شیخ انصاری در مکاسب به قاعده «الملازمه بین النماء و الدرک» اشاره میکند و آن را مستفاد از نص و استقراء می داند (انصاری، ۱۴۲۳، ۵/۲۳۸). از ارتباط بین آسیب و منفعت، تلازم بین خسارت و قاعده فهمیده می شود.

علیه‌السلام در بیت‌المال به‌طور مساوی عمل می‌کرد و می‌فرمود: «من در قرآن تفاوتی بین فرزندان اسماعیل و فرزندان اسحاق نمی‌بینم.»<sup>۱</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۰۶/۱۵)

و هنگامی که مورد اعتراض قرار می‌گرفت، به روش پیامبر استناد جسته، می‌فرمود: «من همان‌گونه که پیامبر بالسویه تقسیم می‌کرد، تقسیم کردم و دستگردان میان ثروتمندان قرار ندادم»<sup>۲</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶۱/۸). امام صادق علیه‌السلام نیز می‌فرمود: «مسلمانان همگی فرزندان اسلام هستند و من در بخشش میان آنان مساوی رفتار می‌کنم گویا که فرزند مردی واحد باشند»<sup>۳</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۰۶/۱۵).

پیروان اسلام فرزندان اسلام‌اند، میان آنان در پرداخت بیت‌المال مساوات را رعایت می‌کنم و فضائل آنان مربوط به رابطه آن‌ها با خداست و مانند فرزندان یک شخص با آنان رفتار می‌کنم.

بررسی احکام تشریحی مربوط به امور مالی و اقتصادی در اسلام، همچون زکات و خمس و کفارات و ... نیز بیانگر همت بلند اسلام برای فقرزدایی و مبارزه بافاصله طبقاتی و تراکم ثروت است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱، ص ۳). بدین جهت تحت عناوین و احکام خاصی سیستم و فرایندی نسبی متناسب با وضعیت اقتصادی فرد طراحی نموده است تا سرمایه و ثروت‌ها از اقشار پردرآمد جامعه به سمت طبقه ضعیف گسیل گردد. خمس و زکات نمونه بارز برای عملیاتی سازی هر دو هدف می‌باشد. در این دو واجب شرعی، هم وضعیت اقشار مختلف مدنظر قرار گرفته است؛ به‌گونه‌ای که هرچه درآمد و یا مازاد درآمد بالاتر باشد، میزان خمس یا زکاتی که باید پرداخت گردد، بیشتر خواهد بود، هم مخارج و متعلقات آن در اقشار آسیب‌پذیر مثل فقیر و مسکین و درراه مانده یا مصالح عمومی جامعه (امام جامعه) تخصیص داده شده است. احکامی چون کفارات نیز صرفاً از جهت دوم (خرج برای اقشار آسیب‌پذیر شدن) حائز اهمیت می‌باشد.

قرآن می‌فرماید: «ما افاء الله علی رسوله من اهل القرى لله و للرسول و لذی القربى و الیتامى و المساکین و ابن السبیل کی لا یکون دولةً بین الاغنیاء منکم» (حشر/۷). در این آیه، دلیل اختصاص فیء به پیامبر (ص) و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و درراه ماندگان، برای تعدیل ثروت است تا میان توانگران دست‌به‌دست نشود و زمینه عدالت اجتماعی فراهم گردد. امام رضا علیه‌السلام

<sup>۱</sup> فَقَالَ عَلِيٌّ ع - وَ اللَّهُ لَا أُجِدُ لِنَبِيِّ إِسْمَاعِيلَ فِي هَذَا الْقِيءِ فَضْلًا عَلَى بَنِي إِسْحَاقَ.

<sup>۲</sup> اعطيت كَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يُعْطِي بِالسُّوْيَةِ وَلَمْ اجْعَلْهَا دَوْلَةً بَيْنَ الْاَغْنِيَاءِ.

<sup>۳</sup> اهل الاسلام هم ابناء الاسلام اسوى بينهم فى العطاء و فضائلهم بينهم و بين الله احملهم كبنى رجل واحد

درباره فلسفه تشریح زکات می‌فرماید: «ان علة الزكاة من اجل قوت الفقراء و تحصيل اموال الاغنياء.»  
علت تشریح زکات تأمین مخارج فقرا و محدودکردن اموال ثروتمندان است. (مجلسی، ۱۴۱۴  
ق، ۵/۴۴۰)

با توجه به مستندات فوق می‌توان چنین بیان داشت که اخذ هزینه دادرسی متناسب با ارزش خواسته نیز هم‌راستا با سیاست‌های اقتصادی اسلام و راهبردهای آن می‌باشد. به‌گونه‌ای که اخذ هزینه دادرسی به صورت ثابت موجب افزایش فاصله طبقاتی، انباشت و تراکم ثروت‌ها در اقشار ثروتمند جامعه و بهره‌مندی آسان‌تر آنان از خدمات حاکمیتی می‌باشد.  
البته قوانین کنونی ایران در مورد هزینه دادرسی دارای چند اشکال می‌باشد که در بخش بعدی به آن پرداخته می‌شود.

#### ۴.۱.۳. جبران خسارت بیشتر

مطابق اصل ۱۷۱ قانون اساسی «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.» بنابراین در دعاوی‌ای که ارزش خواسته بالاتر باشد، در صورت خسارت، دولت یا قاضی مبلغ بالاتری را ضامن است، بنابراین برای جبران این ضمانت، هزینه‌های دادرسی به صورت نسبی اخذ می‌گردد. این جریان تقریباً مشابه بحث بیمه است که هرچقدر ارزش مال بیمه‌شده بالاتر باشد حق بیمه پرداختی توسط بیمه‌گر نیز بیشتر خواهد بود. یا مثل فردی که تراش کار سنگ‌های قیمتی است، هر چه قدر ارزش آن سنگ بالاتر باشد، مبلغ بیشتری را به‌عنوان اجرت اخذ می‌کند تا ضمانت بیشتری نسبت به خسارات احتمالی داشته باشد. در محل بحث نیز این‌گونه است که چون در صورت اشتباه و خطا، دولت ضامن خسارت وارده به فرد خسارت‌دیده می‌شود، به نسبت ارزش خواسته مبلغی به‌عنوان هزینه دادرسی بابت ضمانت آن خسارت اخذ می‌گردد.

#### ۴.۱.۴. جلوگیری از دعاوی واهی

مطابق اصل سی و چهارم قانون اساسی، دادرسی حق افراد است و همه افراد حق دارند برای رسیدن

به مطالبات خود به دادگاه مراجعه کرده و دادخواهی کنند. اما این حق، حقی مطلق نیست و مدعی نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر کند. دادخواهی باید برای احقاق حق تلف شده باشد و نباید برای تاخیر در انجام تعهد یا ایدای طرف مقابل و ... انجام گیرد. در واقع، هدف از طرح دعوی واهی، صرفاً ایداء طرف مقابل است. گاهی نیز خواهان با علم به اینکه در دادرسی پیروز نخواهد شد، با هدف اطاله دادرسی به طرح دعوی واهی علیه خوانده می‌پردازد. بر اساس یک مطالعه منتشر شده در *مجله مطالعات حقوقی تجربی*، ادعاهای واهی می‌توانند تا ۳۰ درصد از پرونده‌های یک دادگاه را اشغال کنند و توجه را از پرونده‌های معتبر منحرف کنند (Priest & Klein, 1984, 25).

برای جلوگیری از دعاوی واهی، قانون‌گذار سه راهکار را پیشبینی کرده است. اولاً دست به وضع قوانین مربوط به هزینه دادرسی نموده است. لزوم پرداخت هزینه قبل از بررسی ادعا، باعث جلوگیری از ادعاهای واهی بسیاری خواهد بود. البته به شرطی که برای شخص خواهان بازدارندگی داشته باشد. ثانیاً مطابق ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی خوانده می‌تواند برای تادیه خسارات ناشی از هزینه دادرسی و حق‌الوکاله که ممکن است خواهان محکوم شود، از دادگاه تقاضای تأمین کند. دادگاه در صورتی که تقاضای مزبور را با توجه به نوع و وضع دعوا و سایر جهات موجه بداند، قرار تأمین صادر می‌کند و تا وقتی که خواهان تأمین ندهد، دادرسی متوقف خواهد ماند و در صورتی که مدت مقرر در قرار دادگاه برای دادن تأمین منقضی شود و خواهان تأمین ندهد، به درخواست خوانده، قرار رد دادخواست خواهان صادر می‌شود. ثالثاً ذیل تبصره ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی برای دعاوی واهی ثابت شده مجازات تعیین شده و بیان داشته است که چنانچه بر دادگاه محرز شود که منظور از اقامه دعوا، تاخیر در انجام تعهد یا ایدای طرف یا غرض‌ورزی بوده، دادگاه مکلف است در ضمن صدور حکم یا قرار، خواهان را به تادیه سه برابر هزینه دادرسی به نفع دولت محکوم کند.

این مساله در فرایند قضایی انگلستان نیز دیده شده است. همان‌طور که پروفیسور ریچارد مورهد در مقاله خود در سال ۲۰۱۶ در *مجله حقوق و جامعه* اشاره کرده است، هزینه‌های بالا می‌توانند به عنوان مکانیزم دروازه‌بانی سالم عمل کنند تا اطمینان حاصل شود که فقط دعاوی جدی پیگیری می‌شوند. (Moorhead, R, 2016)

#### ۴.۱.۵. بازبایی هزینه‌ها :

اخذ هزینه‌های دادرسی به دولت کمک می‌کنند تا بخشی از هزینه‌های مرتبط با فرآیندهای قضایی

را بازیابی کند. بنابراین میزان هزینه ای که از طرفین اخذ می گردد نیز رابطه مستقیم در درآمدهای دولتی خواهد داشت. بر اساس تحقیقی که توسط کتابخانه مجلس عوام انجام شده است، هزینه‌های دادگاه در سال مالی ۲۰۱۸-۲۰۱۹ تقریباً ۱ میلیارد پوند درآمد برای دولت انگلستان تولید کرده‌اند (House of Commons Library, 2020).

طبق ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولتی « معادل پنجاه درصد (۵۰٪) وجوه واریزی موضوع این ماده به حساب درآمد عمومی کشور، از محل اعتباری که به همین منظور در قانون بودجه هر سال منظور می‌شود در اختیار دادگستری قرار می‌گیرد تا منحصراً به منظور تأمین کسری هزینه‌های جاری و احداث، خرید، تجهیز و تعمیر ساختمان‌های دادگستری در مرکز و شهرستان‌ها و ایجاد و توسعه تشکیلات قضائی بر اساس موافقت‌نامه‌هایی که با سازمان برنامه و بودجه مبادله خواهد نمود، هزینه‌نماید.» بنابراین هرچه هزینه‌های دریافتی بیشتر باشد، دولت درآمد بیشتری کسب می‌کند و حتی خود دستگاه قضایی نیز پیشرفت می‌کند.

#### ۴.۲. ادله فقهی - حقوقی میزان هزینه‌های دادرسی

باید توجه داشت که هزینه دادرسی از باب معاملات بین الاثنتینی نیست که بتوان با قواعد و ادله عمومی مربوط به معاملات، آن را ارزیابی و بررسی نمود؛ بلکه وظیفه‌ای حاکمیتی می‌باشد. با توجه به بررسی‌های انجام شده<sup>۱</sup>، برای نظام حاکمیتی اخذ هزینه دادرسی، مجاز و بلا مانع می‌باشد. اما در مورد میزان هزینه‌ای که حاکمیت و دستگاه قضایی می‌خواهد به منظور دادرسی از افراد اخذ نماید، باید فلسفه و رسالت دستگاه قضایی مدنظر قرار گیرد. قانون‌گذار ایران می‌بایستی قوانین را مطابق عقل و شرع متناسب با رسالت اجتماعی و حکومتی وضع نماید. شریعت اسلام بالاترین واجب را حفظ کیان و نظام حاکمیت دینی می‌داند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۴۶۵)، بنابراین اگر لازمه حفظ نظام، اخذ هزینه دادرسی باشد، اولاً دریافت هزینه بابت دادرسی مجاز می‌گردد و ثانیاً مقدار آن نیز به مقتضای ضرورت و نیاز قرار داده می‌شود. از طرف دیگر لازم است قوانین حاکمیت دینی مطابق حکم عقل و رسالت خویش باشد. بنابراین میزان هزینه دادرسی بایستی دارای چند ویژگی باشد: اولاً با رسالت عدالت‌گستری و مبارزه با فاصله طبقاتی - که حاکمیت دینی رسالت خویش می‌داند -

<sup>۱</sup> ر.ک: کوهی، سجاد، مبانی فقهی حقوقی پرداخت هزینه دادرسی و مواد قانونی ناظر بر اعسار از آن، استاد راهنما: دکتر محمد حسینی. دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد

منافات نداشته باشد. ثانیاً معقول و متعارف باشد که در اصطلاح فقهی، در مقابل سفهی بودن آن قرار داده شده است. (شهید اول، ۱۴۲۰، ص ۱۲۱ / شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۵۲۱/۳) حتی برخی از فقها همچون صاحب جواهر معتقدند محور بسیاری از ارکان و شرائط صحت و یا بطلان معاملات، سفهی یا عقلائی بودن معامله است (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۰۲/۲۷).

بنابراین برای بررسی فقهی و یا حقوقی میزان هزینه هایی که دستگاه قضایی از اشخاص اخذ می کند لازم است چند نکته مد نظر قرار گیرد: ۱. ضرورت اخذ هزینه دادرسی برای حاکمیت به چه میزانی است؟ ۲. این میزان معقول و متعارف هم هست یا خیر؟ به بیان دیگر چنین رفتاری (اخذ هزینه از اشخاص توسط حاکمیت و همچنین پرداخت اشخاص) سفهی نیست؟ ۳. میزان هزینه دادرسی چه نسبتی با عدالت محوری دارد؟

#### ۴.۲.۱. ضرورت اخذ هزینه دادرسی:

دلیلی که حکومت ها بابت دادرسی هزینه دریافت می کنند، یا جلوگیری از دعاوی واهی است و یا درآمدزایی برای دولت ها. پرداخت ابتدائی هزینه دادرسی تا حدودی مانع طرح دعاوی و شکایات بی دلیل و بی اساس می گردد. بنابراین هرچه این هزینه ها افزایش یابد، درصد دعاوی واهی نیز کاهش پیدا میکند. طبق یک مطالعه که در مجله حقوقی هاروارد منتشر شده است، دعاوی بی اساس و واهی، منابع قضایی را تخلیه می کنند و تخمین زده می شود که بیش از ۱۰٪ از پرونده های دادگاه را تشکیل می دهند (Harvard Law Review, 2019, 2048). همچنین این هزینه هایی که توسط دستگاه قضایی گرفته می شود نوعی درآمد برای دولت ها هم می باشد. همان گونه که سابقاً گفته شد، هزینه های دادگاه در سال مالی ۲۰۱۸-۲۰۱۹ تقریباً ۱ میلیارد پوند درآمد برای دولت انگلستان تولید کرده اند (House of Commons Library, 2020).

#### ۴.۲.۲. معقول و متعارف بودن میزان هزینه ها:

سفهی نبودن رفتارها از جهت عقلائی شرط صحت رفتارهای اشخاص بوده و شارع مقدس نیز این امر را معیاری برای صحت شرعی قرار داده است. شهید اول و ثانی از نخستین فقیهانی اند که ضمن بیان احکام بیع به معاملات سفهی اشاره کرده اند (شهید اول، ۱۴۲۰، ص ۱۲۱ / شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۵۲۱/۳). بعدها صاحب العناوین به طور مستقل در این باره بحث می کند و باب جداگانه ای را به آن

<sup>۱</sup> در مورد معامله سفهی فقهاء متعددی به ارائه نظر و بررسی پرداخته اند. از جمله آنها مرحوم سید محمد کاظم یزدی می باشد که در پاسخ به این پرسش که «صلح جمیع ما یملک، صحیح است یا خیر؟» می فرمایند «ضرر ندارد مگر اینکه معامله سفهی باشد» (یزدی، ۱۴۱۵، ص ۲۲۰)

اختصاص می‌دهد (حسینی مراغی، ۱۳۸۸، ۲/۲۴۴) سایر فقها نیز به فراخور مباحث مربوط به ارکان عقد و مکاسب محرمه، به معاملات سفهی پرداخته‌اند (یزدی، ۱۴۱۵، ۲۲۰).<sup>۱</sup>

معامله سفهی معامله است که اغلب مردم آن را منعقد نمی‌کنند و عادتاً نزد عقلاء نیز واقع نمی‌شود، به‌گونه‌ای که اگر چنین معامله‌ای از شخصی صادر گردد فهمیده می‌شود که برخلاف روش عقلا بوده است و به‌بیان‌دیگر این معامله صلاحیت داشته است از یک فرد سفیه صادر نشود نه عاقل (حسینی مراغی، ۱۳۸۸، ۲/۲۴۴). ملاک سفهی بودن زیادی و نقصان ثمن نیست بلکه فقدان غرض صحیح عقلانی ملاک صحیحی برای این امر می‌باشد. (فاضل، ۱۳۸۰، ۲۶۳؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ۶۶۴) (البته برخی قید کرده‌اند که این رفتار یا معامله، علت منحصره برای رسیدن به آن منفعت مدنظر باشد، سفهی بودن رفتار منتفی شده و عقلاء آن را معقول فرض می‌کنند (حسینی مراغی، ۱۳۸۸، ۲/۲۵۵). مستفاد از ماده ۲۳۲ و ۲۱۵ قانون مدنی نیز این است که غرض عقلانی ملاک برای صحت معاملات می‌باشد.

هزینه‌های ثابت و یا متغیر در بازه قیمتی مشخص، در نظام دادرسی ایران به نظر می‌رسد که کاملاً متعارف می‌باشد. هزینه‌های غیر ثابت (بدون سقف و حداکثر) که با افزایش ارزش خواسته، هزینه نیز افزایش می‌یابد، در صورتی که تنها راهکار فرد خواهان برای رسیدن به حقوق خویش باشد، برای خواهان کاملاً معقول و متعارف می‌باشد. زیرا با پرداخت حد اکثر ۱۳.۵ درصد (مجموع ۳.۵ درصد دادگاه بدوی، ۴.۵ درصد تجدید نظر، ۵.۵ درصد فرجام خواهی) خواسته خویش، به سود حدود ۸۶ درصدی میرسد و این امر در نگاه عقلاء معقول می‌باشد.

#### ۴.۲.۳. نسبت میزان هزینه‌ها با عدالت محوی

اجرائی سازی عدالت و مساوات در میان همه اقشار جامعه یکی از رسالت‌های مهم هر حاکمیتی خصوصاً حاکمیت دینی می‌باشد. از این رو برای احقاق حق، دستگاه قضایی ایجاد شد. بنابراین بایستی برای تحقق این امر، هزینه‌های متخذه دستگاه قضایی به صورتی باشد که مانع احقاق حق و یا موجب تضییع حق نگردد. بالا بودن هزینه‌های ابتدائی دادرسی و یا اخذ هزینه‌ها در ابتدای فرایند قضایی و همچنین انحصار احقاق حق به حکم دستگاه قضایی، مطمئناً اشخاصی را از احقاق حق خویش منصرف خواهد نمود (3. Shavell, Steven, nondate). شکایات کیفری و مسائل مربوط به دادگاه‌های خانواده به خاطر داشتن هزینه‌ی ثابت کمتری، مانع برای طرح دعوا در

<sup>۱</sup> ر.ک. وضعیت حقوقی معاملات سفهی در فقه امامیه و حقوق ایران. محمود حکمت‌نیا. جعفر زمانی/حقوق اسلامی. سال دهم ۱۳۹۲. شماره ۳۶.

دادگاهها نمی باشد. البته شکایات کیفری در دادگاه های انگلستان رایگان میباشد، اما مساله ای که حقوقدانان را نگران کرده، این است که هزینه های دادگاه های کیفری از مدعیان مدنی و حقوقی مالی گرفته شود و با افزایش هزینه های دادگاه های مالی، هزینه های دادگاه کیفری تامین شود (Shavell, Steven, nondate, 2). اما در دعاوی حقوقی مالی اخذ هزینه دادرسی به نسبت ارزش خواسته ای که در بیشتر مواقع به دست خواهان نرسیده است، خواهان را با چالش جدی روبرو میکند و ممکن است او را از طرح دعوا منصرف کند یا اینکه متحمل ضرر مالی شدید گرداند. برای مثال اگر شخصی ادعای دعوایی حقوقی درباره ملکی به قیمت ۱۰ میلیارد تومان باشد، میبایستی در همان ابتدا مبلغ ۳۵۰ میلیون تومان علاوه بر هزینه های دیگر پرداخت نماید. مبلغی که غالب طبقات جامعه توانایی آن را ندارند. دستگاه قضایی برای اینکه هزینه دادرسی مانع احقاق حق از برخی نشود، راه حل ادعای اعسار را قرار داده است. هر شخصی که توانایی پرداخت هزینه دادرسی را ندارد، درخواست اعسار نموده و از پرداخت هزینه به صورت دائم یا موقت و یا نسبی معاف میگردد. چنین راه حلی ممکن است به ظاهر مشکل را برطرف کند، ولی درواقع مشکلات دستگاه قضایی را با توجه به ملاک اعسار اشخاص، دلیل برای اثبات آن، اختصاص زمان دادرسی برای مساله اعسار شخص، امکان جرح ادله شخص معسر توسط خوانده و ... برای دستگاه دادرسی به وجود آورده است. بنابراین باید راهکاری اندیشیده شود که هم مانع طرح دعاوی واهی گردد، هم مساله درآمد زایی برای دولت را فراهم نماید، هم مانع احقاق حقوق توسط اشخاص ناتوان نگردد.

### نتیجه گیری

در فرایند دادرسی در نظام قضائی ایران، سه نوع هزینه از دادخواهان ستانده می شود: الف. هزینه های ثابت، ب. هزینه های متغیر ولی در محدوده معین و ج. هزینه های کاملا وابسته به ارزش خواسته. هزینه دادرسی در دعاوی حقوقی مالی به صورت درصدی گرفته می شود و حداقل و حداکثری برای آن معین نشده است. اما در نظام قضایی انگلستان، برای شکایات کیفری هزینه ای گرفته نمی شود و بابت دعاوی حقوقی هزینه ثابت در نظر گرفته شده است. سقف هزینه دادرسی در نظام قضایی انگلستان ۱۰ هزار پوند بوده و صرفا فروش اموال و املاک به صورت درصدی هزینه گرفته می شود و سقفی برایش در نظر گرفته نشده است.

اخذ هزینه دادرسی به صورت درصدی و نسبی ذیل اصول «تلازم خسارت و فائده»، «نظام اقتصادی اسلام برای تعدیل ثروت»، «جبران خسارت بیشتر»، «جلوگیری از دعاوی واهی» و «تامین مالی دولت» قرار می گردد.



با توجه به معقول و متعارف بودن این میزان هزینه برای رسیدن به منفعتی بالاتر و همچنین درآمدزایی که برای دولت دارد، هزینه های دادرسی به صورت درصدی، از جهت فقهی و حقوقی جائر بوده ولی با در نظر گرفتن نسبت آن با عدالت محوری نیازمند اصلاح در میزان و نحوه اخذ این هزینه ها میباشد.

### راهکار های پیشنهادی

به نظر نگارنده از ۲ جهت می توان در قوانین جمهوری اسلامی ایران تجدیدنظر نمود. اولاً در زمان اخذ هزینه دادرسی و ثانیاً در تناسب هزینه دادرسی با وضعیت اقتصادی افراد و هزینه های متحمله دستگاه قضایی. اخذ هزینه دادرسی در ابتدای دادرسی به عنوان شرط بررسی خواسته فرد، آن هم متناسب با ارزش خواسته ای که هنوز به دست نیامده است، باعث تکلف و سختی خواهان شده و موجب ادعای اعسار توسط وی می گردد. از طرف دیگر قانونگذار می بایستی وضعیت اقتصادی افراد و هزینه کردهایی که دستگاه قضایی در فرایند دادرسی متحمل می شود را مدنظر قرار دهد.

راهکاری که ارائه داده میشود باید ۱. مانع طرح دعاوی واهی گردد، ۲. دعاوی اعسار را به حداقل خود برساند، ۳. برای دولت درآمدزایی داشته باشد، ۴. متناسب با وضعیت اقتصادی اشخاص باشد ۵. باعث طولانی شدن فرایند دادرسی ها نگردد.

با توجه به مطالعاتی درباره روند قضایی مربوط به هزینه های دادرسی و میزان آن در نظام قضایی انگلستان و ایران و همچنین برخی دیگر از کشور ها مثل آمریکا شده است، برای حل این مشکل راهکاری که به نظر نگارنده می رسد چنین است:

الف. ایجاد سامانه یکپارچه و به روز برای استعلام و شناسایی وضعیت مالی و اقتصادی افراد. سامانه ای که امکان استعلام آنی و جامع از کلیات وضعیت رفاهی و اقتصادی فرد را بیان کند. اعم از سفرهای بین المللی، میزان درآمد و خرج ماهانه، املاک و وسائل نقلیه و دارایی های مالی موجود در بانک و بورس و ... ، میزان بدهی های ثبت شده مثل اجاره نامه ها، چک ها و اقساط بانکی و ... البته اخیراً تلاش های خوبی در این زمینه انجام شده است مثل سامانه سنا و یا سامانه سمپ که در دسترس برخی قضات کشور میباشد.

ب. خواهان برای طرح خواسته خویش به دادگاه مربوطه مراجعه نموده و خواسته خویش را به

صورت الکترونیک و یا کتبی به مدیر دفتر قضایی تقدیم می‌نماید.

ج. برای جلوگیری از طرح دعاوی واهی و بی دلیل، یک جلسه مقدماتی بررسی مستندات برگزار شده و تمامی مستندات خواهان در آن جلسه خدمت مدیر دفتر قضایی ارائه و توسط وی بررسی می‌گردد. این کار علاوه بر جلسات پیش داور، در نظام قضایی انگلستان تحت عنوان (Pre-Trial Reviews) اجرا می‌گردد.

<https://www.justice.gov.uk/courts/procedure/rules/civil/rules/29#29>

۳.

همچنین در نظام قضای آمریکا نیز این فرایند اجرا گردیده و میبایستی تمامی مستندات توسط وکیل یا نماینده دادگاهها مورد تایید قرار گیرد. (Morris, 2022). بررسی مستندات خواهان قبل از جلسه محاکمه اصلی توسط قاضی مانع طرح دعاوی واهی و بی اساس می باشد. البته می تواند برای کسانی که چندین مرتبه چنین ادعاهای بی اساس را مطرح میکنند تنبیه دیگری نیز مقرر نمود. مثل مقررات تنبیهی که برای وکلاء اشخاص در صورت طرح دعوی بی سند و دلیل در نظام قضایی آمریکا طراحی شده است (Zuckerman, 2021, p30). البته در نظام قضایی ایران نیز مطابق تبصره ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی در صورتی که ثابت گردد دعوی مطرح در دادگاه واهی و برای اغراض سوء بوده است، خواهان موظف به پرداخت سه برابر هزینه دادرسی مقرر میباشد.

د. برای اینکه بار هزینه ای پرونده های کیفری بر دوش مدعیان پرونده های حقوقی مالی نباشد، هزینه دعوی کیفری به خاطر اینکه تحت وظیفه تامین امنیت حاکمیتی قرار میگیرد، یا هیچ هزینه ای برای آن در نظر گرفته نمی شود و یا اینکه هزینه حداقلی همچون وضع موجود برای آن در نظر گرفته می شود. در دعاوی مالی نیز میانگین هزینه ای که دستگاه قضایی در هر پرونده حقوقی متحمل می شود، پایه هزینه متخذه در این باب قرار میگیرد و به نسبت وضعیت اقتصادی اشخاص متناسب با جدول زیر این هزینه دریافت می گردد.

ه. با استفاده از سامانه های الکترونیک وضعیت اقتصادی فرد توسط مدیر دفتر قضایی مشخص می کند. برای مثال دهک بندی های ده گانه ای که وزارت رفاه انجام داده است می تواند در صورت دقت و صحت، ملاک خوبی باشد. این فرد در یکی از دهک های ده گانه قرار می گیرد. (نهادهای دولتی به عنوان دهک دهم محسوب می شوند و مطابق آن اقدامات لازم انجام می پذیرد.) مطابق جدول زیر هزینه ی اولیه ای که لازم است خواهان در ابتدای دادرسی پرداخت نماید مشخص

می‌گردد.

معافیت کامل از تمام هزینه‌ها در تمامی مراحل	دهک‌های ۱ و ۲	مرحله بدوی
نصف هزینه پایه دستگاه قضایی	دهک‌های ۳ و ۴	
تمام هزینه پایه	دهک ۵ و ۶	
۱.۵ برابر هزینه پایه دستگاه قضایی	دهک ۷ و ۸	
۳ برابر هزینه پایه دستگاه قضایی	دهک ۹، ۱۰ و دستگاه‌های اجرایی	
هزینه مرحله بدوی + ۴۰٪	تجدید نظر خواهی	
هزینه مرحله بدوی + ۸۰٪	فرجام خواهی	

مطابق جدول فوق هزینه پایه به عنوان هزینه دادرسی ابتدائی از اشخاص گرفته میشود و هزینه های اضافی اعم از هزینه کارشناس و اوراق استفاده شده و یا دیگر هزینه های ممکن، در طول روند دادرسی گرفته می شود.

ویژگی های این طرح بدین صورت است که:

اولاً هزینه‌های دادرسی با خسارات و هزینه‌هایی که دستگاه قضایی بابت بررسی این پرونده انجام داده است، تناسب داشته و وجه جمعی میان درآمدزایی برای دولت و فلسفه دستگاه قضایی می باشد.

ثانیاً با وضعیت اقتصادی افراد نیز سازگار می‌باشد. زیرا در این صورت افراد با وضعیت اقتصادی بهتر به نسبت، هزینه بیشتری نیز پرداخت می‌نمایند و افراد با وضعیت اقتصادی ضعیف‌تر به نسبت

از هزینه دادرسی معاف می‌گردند.

ثالثاً هزینه با توجه به اینکه به صورت نسبی و وابسته به ارزش خواسته نیست، به معقول و متعارف بودن هزینه‌ها نیز نزدیکتر می‌باشد. در فرض مذکور این‌گونه نیست که ارزش خواسته هرچه بالاتر باشد هزینه دادرسی نیز افزایش پیدا کند. برای مثال اگر یک فرد ثروتمندی در مورد خواسته‌ای به ارزش ۱۰۰ میلیارد تومان طرح دعوا کرده باشد مطابق مقررات موجود می‌بایستی ۳.۵ میلیارد تومان هزینه دادرسی پرداخت کند؛ اما در پیشنهاد مذکور ۳ برابر هزینه‌ای که برای دستگاه قضایی ایجاد کرده است هزینه پرداخت خواهد کرد که مثلاً ۱۰ میلیون یا ۲۰ میلیون تومان می‌باشد که بسیار فاصله با ۳.۵ میلیارد تومان دارد. یا برای مثال اگر همین خواسته را یک فرد مستضعف داشته باشد، می‌بایستی ۳.۵ میلیارد تومان پرداخت کند. برای همین به دلیل ناتوانی از پرداخت ادعای اعسار کرده و کلاً خود را از پرداخت معاف می‌کند؛ ولی در فرض موجود اگر از دهک ۳ یا ۴ باشد به اندازه توان مالی اش از او هزینه دادرسی اخذ می‌گردد.

رابعاً مشکل انصراف خواندگان ضعیف در تجدید نظر خواهی و فرجام خواهی در مقابل خواسته شرکت‌های حقوقی و یا اشخاصی که وضعیت مالی بهتری دارند پیش نمی‌آید. طبق قوانین موجود اگر یکی از ارگان‌های دولتی و یا شرکت‌های حقوقی علیه شخصی خواسته حقوقی مالی داشته باشد، شخص خوانده برای اعتراض به رای دادگاه بایستی ۴.۵ درصد ارزش خواسته را به عنوان هزینه دادرسی پرداخت نماید. از آنجایی که بسیاری از خواندگان با وضعیت اقتصادی ضعیف، نسبت به پرداخت این هزینه ناتوان هستند، از تجدید نظر انصراف می‌دهند و این امر با عدالت خواهی سازگار نیست.

خامساً با توجه به بررسی ابتدائی مستندات و دلائل، جلوی بسیاری از ادعاهای واهی چه در پرونده‌های اصلی و چه ادعای واهی نسبت به اعسار نیز گرفته می‌شود.

## منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور، محمد بن مكرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بيروت، دار صادر
۳. اراکی، شیخ محمد علی، ۱۴۱۵ق، کتاب البیع، قم، موسسه در راه حق
۴. انصاری، شیخ مرتضی، ۱۴۲۳ق، کتاب المکاسب، قم، کنگره بزرگداشت شیخ انصاری
۵. آل کاشف الغطاء، محمد حسین، ۱۳۶۱ش، تحریر المجله، طهران، مکتبه النجاشی
۶. بحر العلوم، محمد، ۱۴۰۳ق، بلغه الفقیه، طهران، مکتبه الصادق
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۲ش، ترمینولوژی حقوق، طهران، انتشاران گنج دانش
۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۴۱۷ق، فلسفه حقوق بشر، اسراء، قم
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، موسسه آل البیت
۱۰. حسینی مراغی، سید میر عبد الفتاح، ۱۳۸۸، العناوین، ترجمه و شرح عباس زراعت، طهران، انتشارات جنگل
۱۱. حکمت نیا، محمود. زمانی، جعفر، ۱۳۹۲ش، وضعیت حقوقی معاملات سفهی در فقه امامیه و حقوق ایران. / حقوق اسلامی. سال دهم، شماره ۳۶
۱۲. حلی (علامه)، حسن بن یوسف، ۱۴۱۴ق، تذکره الفقهاء قم، موسسه آل البیت
۱۳. حیدر، علی، ۱۴۲۳ق، درر الحکام، ریاض، دار عالم الکتب
۱۴. خمینی، سید روح الله، ۱۴۱۵ق، مکاسب محرمة، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۱۵. الدارقطنی، ابوالحسن، ۱۴۲۴ق، سنن الدار قطنی، بیروت، موسسه الرساله
۱۶. سبزواری، سید عبدالاعلی، ۱۴۱۳ق، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الرحام، قم، دفتر آیت الله سبزواری
۱۷. الشافعی، ابو عبد الله، ۱۴۰۰ق، مسند الشافعی، بیروت، دار الکتب العلمیه
۱۸. شهیدی، جعفر، معین، محمد، گروهی از نویسندگان، و دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳ش، لغت نامه دهخدا، طهران، روزنه
۱۹. صدر، محمد باقر، ۱۳۷۵ش، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.. اقتصادنا، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، مرکز النشر
۲۰. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴ش، ترجمه تفسیر المیزان، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، دفتر انتشارات اسلامی
۲۱. عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، ۱۴۱۰ق، اللمعه دمشقیه، لبنان، الدار الاسلامیه
۲۲. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، ۱۴۱۰ق، الروضه الهیه فی شرح اللمعه دمشقیه، قم، داور

۲۳. فاضل، محمد، ۱۳۸۰، مجمع المسائل، قم، انتشارات مهر
۲۴. قزوینی، سید علی، مسعودیان زاده، سید ذبیح الله، ۱۳۹۳ش، قاعده من له الغنم فعلیه الغرم، فصل نامه پژوهشنامه اندیشه های حقوقی، ص ۷۵-۹۱
۲۵. کوهی، سجاد، ۱۴۰۲ش، مبانی فقهی حقوقی پرداخت هزینه دادرسی و مواد قانونی ناظر بر اعسار از آن، استاد راهنما: دکتر محمد حسینی. دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی (ط - الإسلامية)، تهران
۲۷. مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، ۱۴۱۴ق، لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، قم
۲۸. مجله الاحکام، بی تا، مجله الاحکام العدلیه، بی جا
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۹ق، القواعد الفقهیه، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب ع
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۶۱ش، فلسفه خمس و ابعاد آن، مجله مکتب اسلام، شماره ۱۲
۳۱. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، ۱۴۲۲ق، مبانی تکمله المنهاج، قم، موسسه احیاء آثار الامام الخویی
۳۲. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، ۱۴۱۷ق، التنقیح فی شرح العروه الوثقی، نجف پ، مطبعه الآداب النجف الاشرف
۳۳. نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴ق، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی
۳۴. نراقی احمد بن محمد مهدی. ۱۴۱۵ق. مستند الشیعة فی أحكام الشریعة. قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحیاء التراث
۳۵. نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، موسسه آل البيت ع
۳۶. یحیی المزنی، ابو ابراهیم، ۱۴۰۳ق، مختصر المزنی، بیروت، دار الفکر
۳۷. یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، ۱۴۱۹ق، العروه الوثقی فیما تعم به البلوی (المحشّی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی
۳۸. یزدی، سید محمد کاظم، ۱۴۱۵ق، سوال و جواب، تهران، مرکز نشر العلوم الاسلامی
۳۹. خمینی، روح الله، ۱۳۸۹ق، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)
40. Woolf, do lord, 2018, "Reforms Need Reforming?", STA Law Firm. Available at: <http://www.mondaq.com/UK/x/705694>
41. "UK legislation.gov". Available at: <https://www.legislation.gov.uk/ukdsi/2015/9780111127490>
42. Cote, J. E., 1969, "Should the Fees of Experts be Included in Costs?", Alberta Law Review, 525. doi:10.29173/alr2268. ISSN 1925-8356
43. House of Commons Library, 2020, "Court Fees"

44. Moorhead, R., 2016, "Access to Justice and the Role of Charging", *Journal of Law and Society*
45. Law Society, 2019, "Impact of Court Fees on Access to Justice"
46. Federation of Small Businesses, 2020, "The Cost of Justice: Small Businesses' Perspectives"
47. Shavell, Steven, "Litigation and Settlement", Harvard Law School. Available at: <http://law.harvard.edu/programs/olin%5Fcenter/papers/pdf/218.pdf>
48. Harvard Law Review, 2019, "The Impact of Frivolous Lawsuits on the Judicial System", *Harvard Law Review*
49. Morris, L., 2022, "The Role of Pre-Filing Review in Civil Procedure", *Legal Review Quarterly*
50. Zuckerman, D., 2021, "Sanctions Against Frivolous Lawsuits: A Review of Rule 11", *Law and Society Review*